

پیشگفتار

یکی از مهمترین موضوعاتی که همواره در چند سال گذشته موجب دغدغه کارگزاران دولت و کارشناسان بوده است، مسیحت "جلب سرمایه‌گذاری خارجی" می‌باشد. اگر چه ماهیت ابعاد و کیفیت این مسئله همچنان پیچیده و مبهم باقی مانده، اما تنها بخش یا مهمترین زیربخش اقتصاد ملی که تاکنون توانسته کاملاً پویا و با تحرک در این زمینه فعالیت کند، بخش‌های بالادستی نفت و گاز بوده است. البته در همین آغاز، شاید اشاره به این نکته لازم باشد که با شیوه‌هایی که از سوی وزارت نفت در پیش گرفته شد، این فرآیند با برخی تغییرات ماهیتی، به «تأمین منابع مالی خارجی» از طریق پروژه‌های بالادستی نفت و گاز پرداخت که در ادامه، برای تبیین بیشتر موضوع اشارات مختصری به آن خواهد شد. اما دلیل اینکه چرا طرح این مباحث و پیگیری آن برای صنعت نفت کشورمان با اهمیت تلقی می‌شود، می‌توان آن را در چند فراز کلی و به ترتیب ذیل بیان کرد:

۱- کشور ما با فرض تولید ۳/۸ میلیون بشکه در روز، حداقل تا ۶۵ سال دیگر امکان تولید دارد. با توجه به برآوردهای اعلام شده از "ذخایر نهایی"، امکان اکتشافات جدید در ایران تا ۳۰ میلیارد بشکه نفت دیگر وجود دارد و حجم ذخایر قابل استحصال از ۹۲ میلیارد بشکه فعلی به ۱۲۰ میلیارد بشکه افزایش باید (نمودار ۱).

به این ترتیب:

(الف) برای حفظ سطح تولید و افزایش آن،
(ب) برای استخراج نفت از حوزه‌های اثبات شده و

(ج) برای اکتشافات جدید،

به سرمایه‌گذاری‌های بسیار عظیم و استفاده از تکنولوژی‌های روز در این صنعت نیازمندیم که وضعیت موجود، به ضرورت جلب سرمایه‌های خارجی در این بخش می‌انجامد.

۲- با آنکه جمهوری اسلامی ایران، دارنده دومین ذخایر گاز طبیعی در میان کشورهای جهان است، اما سهم ایران در صادرات گاز در شرایط حاضر، نزدیک به صفر است.

۳- چه در شیوه جلب سرمایه‌گذاری خارجی و چه در روش تأمین منابع مالی خارجی، آشنایی با انواع سیستم‌های مالی با هدف ارزیابی تحلیل مقایسه‌ای و انتخاب گزینه‌های برتر در چارچوب ویژگی‌ها و محدودیت‌های توانین جاری کشور، کاملاً ضروری است

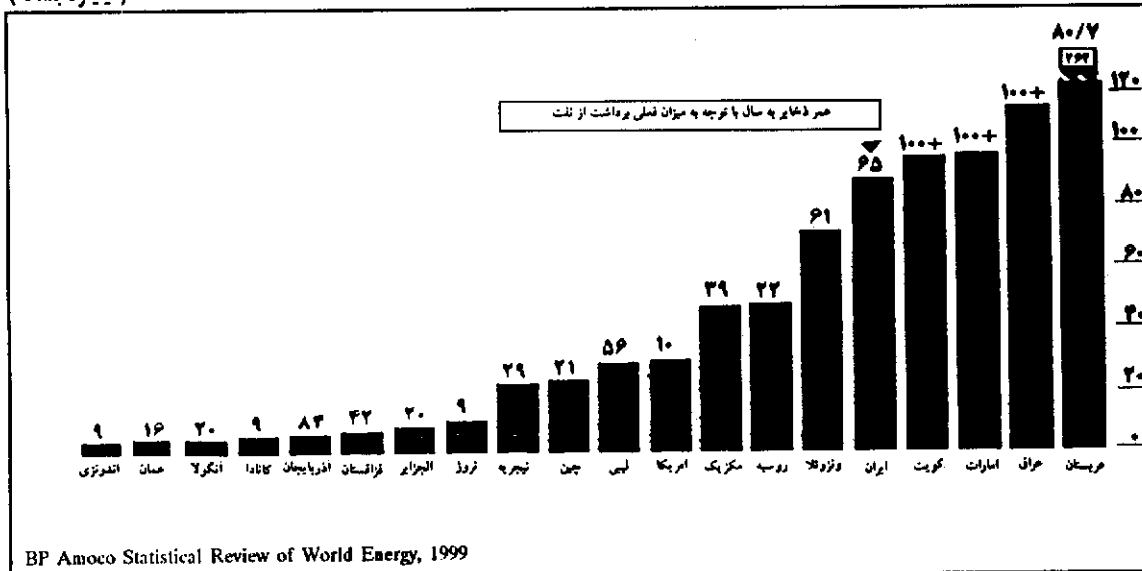
راهکارهای دولت‌های میزبان در جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در صنایع نفت و گاز

بهروز پورسینا



نمودار ۱- تخمین ذخایر اثبات شده نفت خام

(میلیارد بشکه)



BP Amoco Statistical Review of World Energy, 1999

خارجی شرکت‌های نفت بین‌المللی (IOC)^(۷) در بخش "نفت و گاز" کشورهای میزبان، در بخش غیر مالی قرارداد مورد تبیین قرار می‌گیرد. گفتنی است که روش‌شناسی تبیین و آرایه مباحث این نوشتار در HGC برگرفته از شیوه‌نامه انجمن بین‌المللی مذاکره‌کنندگان نفتی (AIPN)^(۸) می‌باشد که یک انجمن تخصصی نفتی و غیرانتفاعی است.

مفاهیم پایه در قراردادهای نفتی دولت‌های میزبان

پیش از ورود به این بحث، ذکر این نکته خالی از فایده نیست که وقتی صحبت از قراردادهای نفتی در HGC می‌شود، در برگیرنده هر دو بخش نفت و گاز است.

دولت میزبان

منظور از دولت میزبان، بخشی از دولت است که متولی عقد قرارداد می‌شود و دربرگیرنده نماینده شخصی دولت یا یک شرکت دولتی نفت است.

توافقنامه بهره‌برداری مشترک (JOA)^(۹) یک توافق بهره‌برداری بین‌المللی با مشارکت در IOC یا بیشتر، که از آن به عنوان پیمانکار یاد می‌شود.

اهداف HGC

هدف دولت میزبان در HGC، جذب سرمایه‌گذاری یا سرمایه‌های خارجی شرکت‌های

در یک تقسیم‌بندی کلی، وقتی صحبت از قراردادها در HGC می‌شود این قراردادها در سه گروه تفکیک می‌شوند:

- ۱- قراردادهای مشارکت در تولید (PSCs) یا (PSAs)^(۳)
- ۲- قراردادهای بهره‌مالکانه و مالیات بردرآمد (RTCs)^(۴) یا به تعبیر جدید آن، قراردادهای حق‌الانتفاعی (CAS)^(۵)
- ۳- قراردادهای خرید خدمت (SAs) یا (SCs)^(۶)

به این ترتیب در HGC، مباحث و موضوعات مربوط به فرآیند سرمایه‌گذاری

با توجه به اتمام تحریم‌های ILSA به صورت قانونی

در ماه اوت سال ۲۰۰۱،

در صورت عدم وضع

قوانین تحریم جدید

علیه جمهوری اسلامی ایران،

انتظار تغییر فضای همکاری

میان شرکت‌های بین‌المللی

نفت و گاز با ایران

و ارتقای سطح آن

کاملاً محتمل و منطقی است

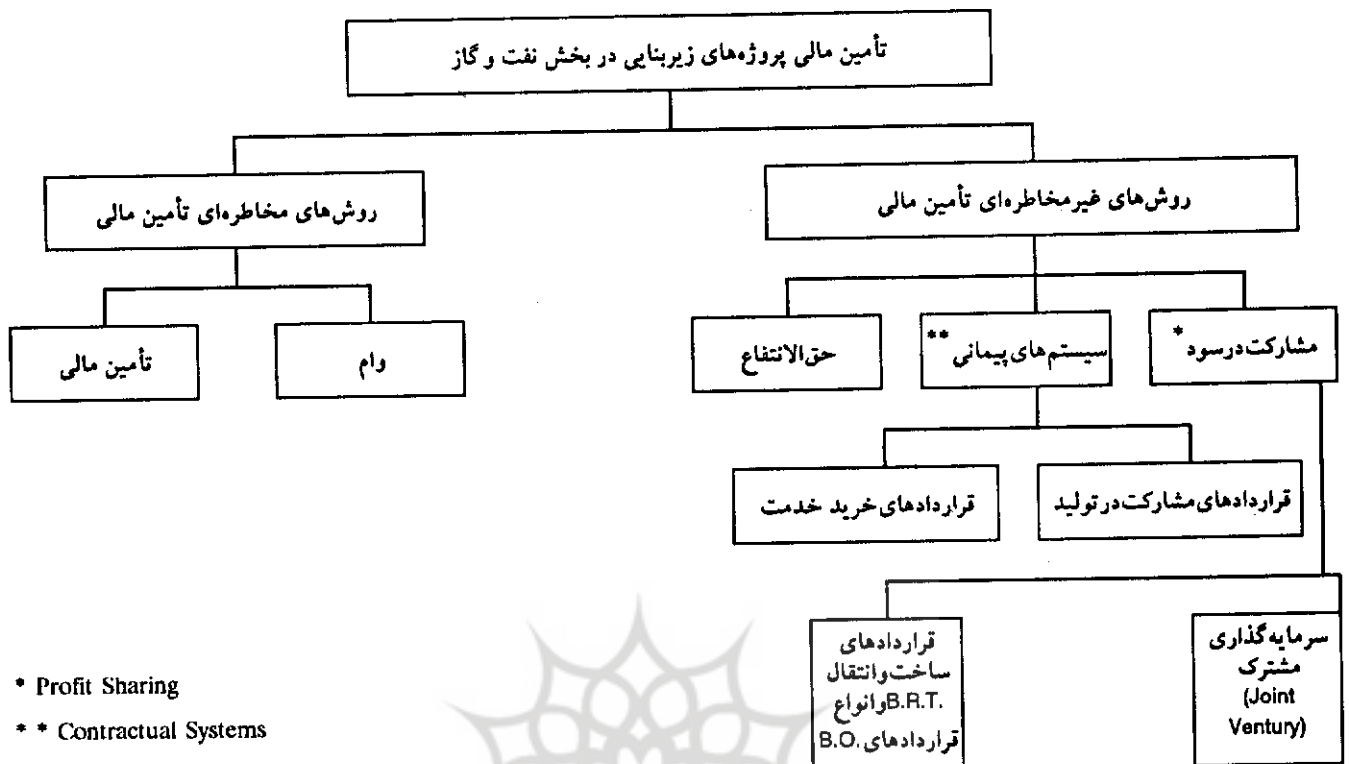
۴- با توجه به اتمام تحریم‌های ILSA^(۱) به صورت قانونی در ماه اوت سال ۲۰۰۱، در صورت عدم وضع قوانین تحریم جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، انتظار تغییر فضای همکاری میان شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز با ایران و ارتقای سطح آن کاملاً محتمل و منطقی است. این مهم ضرورت آشنایی عمیق‌تر با انواع روش‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی خارجی را برای صنعت نفت و گاز کشورمان تشدید می‌کند.

کشورهای میزبان و قراردادهای بین‌المللی

وقتی صحبت از قراردادهای بین‌المللی می‌شود، معمولاً و در یک نگاه کلی، مباحثی را که تحت این عنوان مطرح می‌شود، می‌توان به دو بخش مالی و غیر مالی تقسیم کرد. در بخش مالی، ویژگی‌های قراردادهای از نظر شیوه‌های محاسبات مالی و اقتصادی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

اما در بخش غیر مالی، تبیین محورهای دیگری ضروری است: ۱- موضوعات و محورهای حقوقی-قانونی، ۲- چگونگی کسب مهارت‌های تخصصی لازم برای گفتگو با کشور یا شرکت طرف قرارداد و ۳- عبارات و واژه‌های به کار گرفته شده در فرآیند مذاکرات و عقد قرارداد.

در این راستا، الگوی آرایه شده در مورد مباحث غیر مالی عقد قراردادها برای کشورهای میزبان، عبارت از الگوی "قراردادهای دولت‌های میزبان" (HGC)^(۲) می‌باشد.



* Profit Sharing

** Contractual Systems

نمی‌باشد. پیمانکار در قبال یک هزینه از پیش تعیین شده، خدمات اکتشاف و تولید را وفق قرارداد ارایه می‌کند و حق الزحمه خود را بدون در نظر گرفتن حجم تولید، براساس برنامه از پیش تعیین شده مندرج در قرارداد دریافت می‌کند. حال، این دریافتی می‌تواند بسته به نوع قرارداد و توافق با دولت میزبان، به صورت پرداخت‌های نقدی یا به صورت خرید بخشی از تولیدات توسط IOC باشد.

آن گونه که قبلاً نیز اشاره شد، این سه محور در یک تقسیم‌بندی کلی با همدیگر متفاوتند و بنابراین، با در نظر گرفتن زیربخش‌های هر یک از این سه گروه، شاهد تنوع بیشتری در HGC می‌باشیم. البته بی‌مناسبت نیست تا در اینجا یک تقسیم‌بندی دیگر از دیدگاه نگارنده در فرآیند تأمین مالی قراردادهای نفتی نیز ارایه شود، اما مجدداً یادآوری می‌شود که مبنای تقسیم‌بندی برای HGC در این نوشتار، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای می‌باشد که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته است.

نمودار ۲، بیان‌کننده محورهای اصلی در قراردادهای تأمین مالی پروژه‌های نفت و گاز می‌باشد که هر کدام از این محورها می‌توانند دارای زیربخش‌های فرعی نیز باشند. در این نمودار جریانی، فرآیند تأمین

مالیات دریافت می‌کند. این نوع از قراردادها در کشورهای زیادی متداول است. به طور مثال در کانادا و آمریکا در امریکای شمالی، کشورهای فرانسه، انگلستان، هلند، نروژ، ایتالیا در اروپا، کشورهای استرالیا، برونئی در شرق دور، نیجریه و تونس در افریقا و امارات متحده (ابوظبی و دوبی) در خاورمیانه

۳- قراردادهای خرید خدمت
الف- قراردادهای خرید خدمت مشارکت در ریسک^(۱۰)

این نوع از قراردادها در واقع گونه‌ای از قراردادهای مشارکت در تولید (PSC) می‌باشند، با این تفاوت که تولیدات، کاملاً در اختیار دولت میزبان قرار می‌گیرد. در اینجا، سهم IOC یا همان پیمانکار، به صورت پرداخت‌های نقدی و متناسب با حجم تولیدات به دست آمده تأدیه می‌شود. این پرداخت می‌تواند به صورت خرید بخشی از تولیدات توسط پیمانکار از دولت میزبان باشد (از این نوع قرارداد در کشورهایی مانند برزیل، شیلی، ونزوئلا و پرو استفاده می‌شود).

ب- قراردادهای خرید خدمت صرف^(۱۱)
در این گونه از قراردادها، ریسکی از ناحیه فرآیند اکتشاف و تولید متوجه پیمانکار یا IOC

بین‌المللی در بخش نفت و گاز کشور می‌باشد به نحوی که در آن، عملیات اکتشاف، استخراج و تولید با قبول ریسکهای آن زیر نظر دولت یا ب همکاری دولت ملحوظ می‌شود.

هدف IOC در این شیوه از قرارداد، به دست آوردن حق اجرای عملیات نفتی (نفت و گاز) در محدوده تعیین شده در قرارداد است و بسته به شیوه مورد توافق، IOC حق بهره‌برداری از تولید، سهمی از تولید یا یک منبع مشخص (که می‌تواند از محل همان تولیدات تأمین شود) را به دست می‌آورد.

انواع روش‌ها در قراردادهای دولت‌های میزبان

به طور کلی در HGC سه دسته از قراردادها وجود دارد:

۱- مشارکت در تولید- در این شیوه از همکاری، تولیدات بین دولت میزبان و IOC تقسیم می‌شود. این شیوه از قرارداد، در بسیاری از نقاط جهان مرسوم است.

۲- قراردادهای حق الانتفاعی یا مالیات بردرآمد و بهره مالکانه (خالصه جات حکومتی)- در این شیوه، قرارداد محصولات تولید شده به پیمانکار خارجی تعلق می‌گیرد و دولت میزبان، بهره و

منابع مالی در پروژه‌های زیربنایی که شامل هر دو بخش بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز می‌شود، مورد مذاقه و تأیید قرار گرفته است.

به این ترتیب روش‌های یوزانس و یوزانس داخلی به این دلیل که در پروژه‌های بلندمدت، قابلیت به‌کارگیری آنها وجود ندارد، در این نمودار تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی وارد نمی‌شود. البته در اینجا به اختصار برای آشنایی بیشتر خوانندگان این نوشتار با مفاهیم تأمین مالی، تعریفی از این دو روش و مفهوم فاینانس ارایه می‌شود:

فاینانس: عبارت از معامله‌ای است که از دیدگاه فروشنده، یک معامله نقدی و از دیدگاه خریدار یک معامله نسبه است. به این معنا که در فاینانس، وامی که از بانک خارجی گرفته می‌شود باید محل هزینه آن از پیش دقیقاً مشخص شده باشد.

یوزانس، معامله‌ای است که در عرف معاملات، به آن خرید و فروش "نسبه" اطلاق می‌شود.

یوزانس داخلی^(۱۲) به این ترتیب است که خریدار، جنسی را می‌خرد و به بانک داخلی پول آن را نقداً می‌دهد و در خارج نیز بانک خارجی پول فروش کالا را نقداً به فروشنده می‌پردازد، اما بانک طی یک دوره زمانی توافق شده، پول خرید کالا را به علاوه بهره بانکی آن، به بانک خارجی تأمین‌کننده منابع مالی این قرارداد می‌پردازد.

نمودار جریانی مذکور، دارای زیربخش‌های متعدد دیگری است، اما در اینجا صرفاً به ذکر نام برخی از این زیربخش‌های فرعی، بسنده می‌شود:

● قراردادهای مشارکت در تولید (PSC) دارای دو زیربخش اصلی مشارکت در نفت حاصل از سود^(۱۳) و مشارکت در تولید ناخالص^(۱۴) است.

● قراردادهای خرید خدمت به سه زیربخش ۱- خرید خدمت مشارکت در ریسک ۲- خرید خدمت صرف ۳- قراردادهای خرید خدمت تلفیقی یا هایپریدز^(۱۵) (OSA کسویت یا قراردادهای خرید خدمت عملیاتی) تقسیم می‌شود.

● سیستم‌های نرخ بازگشت^(۱۶) در مورد کشورهای مصداق دارد که از سیستم‌های حق‌الانتفاع یا مشارکت در تولید استفاده می‌کنند. در سیستم‌های نرخ بازگشت، یا از شیوه محاسبه نرخ داخلی بازگشت IRR^(۱۷) بر مبنای

هدف دولت میزبان در HGC،

جذب سرمایه‌گذاری

یا سرمایه‌های خارجی

شرکت‌های بین‌المللی

در بخش نفت و گاز کشور می‌باشد

به نحوی که در آن،

عملیات اکتشاف، استخراج و تولید

با قبول ریسک‌های آن

زیر نظر دولت

یا با همکاری دولت ملحوظ می‌شود

شیوه قدیمی بانک جهانی بهره گرفته می‌شود، یا روش فاکتور "R" در محاسبات تقسیم منابع میان دولت میزبان و پیمانکار مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته کشور ونزوئلا، در قراردادهای خرید خدمت مشارکت در ریسک (RSA)، در محاسبات خود از روش فاکتور "R" نیز بهره می‌برد که یک استثنا در این حوزه تلقی می‌شود.

تحلیل مقایسه‌ای از خصوصیات قراردادهای اصلی به‌کار گرفته شده توسط دولت میزبان

تا این مرحله از بحث، برخی وجوه مشترک و نقاط افتراق قراردادهای دولت‌های میزبان بیان شد. برای توضیح دقیق‌تر موضوع، جدول ۱ تبیین تفصیلی این نقاط اشتراک و افتراق را ارایه می‌کند.

تقسیم‌بندی قراردادهای از نگاه دولت میزبان در ریسک

اگر بخواهیم انواع قراردادهای HGC را از نگاه فرآیند تأمین مالی ملاحظه کنیم، تمامی این گروه از قراردادها در بخش قراردادهای تأمین مالی غیر مخاطره‌ای (در مقابل روشهایی مانند وام و فاینانس) قرار می‌گیرند. اما تحلیل مقایسه‌ای این قراردادها به لحاظ ریسک‌های اکتشاف و تولید، همچنین دریافتی‌ها، دارای تقسیم‌بندی‌هایی است که شکل کلی آن، در جدول ۲ ارایه شده است.

ذکر یک نکته مهم:

این تقسیم‌بندی که بر اساس نظرات کریستن بیندمن^(۱۸) از مؤسسه مطالعات انرژی آکسفورد،

دکتر فرانک الکساندر^(۱۹) از AIPN و دانیل جانسون^(۲۰) کارشناس برجسته بین‌المللی ارایه شد، حاوی نکته قابل تأملی در مورد قراردادهای خرید خدمت صرف است. مصداق این نوع قرارداد که صرفاً قراردادهای از نوع بای‌بک ایران است (البته نوعی از قراردادهای خرید خدمت صرف در کشور آرژانتین در دهه ۱۹۵۰ مورد استفاده بوده است)، تنها قرارداد HGC است که پیمانکار یا همان IOC سهمی از ریسک اکتشاف و تولید را برعهده ندارد و این ریسک به عهده دولت میزبان است. صرف‌نظر از اینکه در عمل، این قراردادها چگونه مورد توافق قرار می‌گیرد و به اجرا گذاشته می‌شود، تبیین برخی نکات که به تحلیل ماهیت این نوع قراردادها کمک می‌کند، در این مجال ضروری است:

الف- این نوع قراردادها اگرچه متضمن ریسک اکتشاف و تولید از سوی دولت میزبان است، اما برای پیمانکار یا IOC به دلیل تأمین صددرصد سرمایه مورد نیاز در پروژه‌های بالادستی که در بردارنده انواع ریسک‌ها به غیر از ریسک اکتشاف و تولید است، یک تأمین مالی دارای ریسکی محسوب می‌شود.

ب- شرکت پیمانکار در شرایطی اقدام به عقد قرارداد بای‌بک می‌کند که جمهوری اسلامی ایران از سوی امریکا تحت تحریم ILSA قرار دارد.

ج- عقد قراردادهای اکتشاف بای‌بک، به خودی خود امکان توسعه حوزه نفت و گاز ذریع را برای پیمانکار فراهم نمی‌کند.

د- طول مدت قرارداد، در عمل بین ۳ تا ۷ سال می‌باشد که می‌تواند از برخی جهات، برای IOC مطلوب نباشد.

ه- به این دلیل که توافق می‌شود، حق‌الزحمه پیمانکار از ناحیه فروش تولیدات حوزه مورد توافق تأمین خواهد شد، در شرایطی که قیمت‌ها به سطوح نازلی می‌رسد در قرارداد پیش‌بینی شده است که دولت باید سهم خود را از محل تولیدات کمتر کند تا در تأدیه حق‌الزحمه پیمانکار، تأخیری به وجد نیاید.

ز- در شرایطی که قیمت‌ها، با رشد پیش‌بینی نشده‌ای مواجه می‌شود، از حجم محصول مورد انتظار پیمانکار کاسته می‌شود (در صورت تأدیه هزینه‌ها از ناحیه محل تولیدات).

اگرچه این نوشتار درصدد تحلیل مقایسه‌ای از قراردادهای بای‌بک با سایر قراردادها نیست، اما مختصراً به این مهم اشاره می‌شود که علی‌رغم نقاط قوت این گونه قراردادهای که در

جدول ۱- ارزیابی مقایسه‌ای از قراردادهای HGC

گونه‌های HGC	حق الانتفاع C.A.	مشارکت در تولید P.S.C	خرید خدمت S.A.
بخشها	دولت میزبان یا نماینده دولت (فرد حقیقی یا حقوقی)	دولت میزبان یا نماینده دولت	دولت میزبان یا نماینده دولت
حقوق اعطا شده	یک یا چند شرکت پیمانکار	یک یا چند شرکت پیمانکار	یک یا چند شرکت پیمانکار
مالکیت تولید	پیمانکار، مالکیت کل تولیدات سرچاهی را در اختیار دارد، مشروط بر آنکه تعهد به پرداخت حق الانتفاع و عرضه داخلی بر حسب توافق باشد.	پیمانکار، محق به داشتن یک سهم مشخص از تولیدات است، مشروط بر آنکه تعهد به پرداخت سهم بهره مالکانه دولتی و عرضه داخلی، برحسب توافق باشد.	پیمانکار، مالک هیچ بخشی از تولیدات نیست و تنها محق به دریافت حق الزحمه، برحسب توافق است.
تعهدات اجرا	پیمانکار، متعهد به انجام و اجرای عملیات معین و مشخص شده اکتشافات می‌باشد. (علاوه بر این، بعضاً برخی تعهدات مالی را نیز برعهده می‌گیرد).	پیمانکار، متعهد به انجام و اجرای عملیات معین و مشخص شده اکتشافات می‌باشد (علاوه بر این، بعضاً برخی تعهدات مالی را نیز برعهده می‌گیرد).	خرید خدمت: ندارد. خرید خدمت مشارکت در ریسک مشابه PSC
کنترل عملیات	درجه کنترل تفاوت می‌کند ولی پیمانکار دارای این حق است که برنامه کاری خود را بعد از تصویب دولت میزبان، به نحو دلخواه هدایت کند.	درجه کنترل تفاوت می‌کند ولی پیمانکار دارای این حق است که برنامه کاری خود را بعد از تصویب دولت میزبان، به نحو دلخواه هدایت کند.	خرید خدمت صرف: دولت میزبان عملیات را کنترل می‌کند مشارکت در ریسک: مشابه PSC
مالکیت دارایی‌ها	پیمانکار، تا زمانی که به طور کامل دارایی‌ها به دولت میزبان منتقل می‌شود، طبعاً مالک تأسیسات و دارایی‌ها می‌باشد.	پیمانکار، تا زمانی که به طور کامل دارایی‌ها به دولت میزبان منتقل می‌شود، طبعاً مالک تأسیسات و دارایی‌ها می‌باشد. البته پس از نصب تجهیزات، جبران هزینه‌ها و استهلاک کامل، یا پس از انقضا دوره قرارداد.	صرف: دولت میزبان مالک کل تأسیسات و دارایی (پس از جبران هزینه‌ها) می‌باشد. مشارکت در ریسک: مشابه PSC
درآمد دولت میزبان	شامل پاداش برای عقد قرارداد و تولید، حق امتیاز (حق الانتفاع)، مالیات بردرآمد، مالیات بر سود اضافی و اجاره (گاهی هم مالیات‌های مبتنی بر سود و مالیات بر سود نقل و انتقالات سهام می‌تواند مالیات بردرآمد و مالیات بر سود اضافی را هم جذب کند).	شامل پاداش برای عقد قرارداد و تولید، حق الانتفاع، مالیات بردرآمد، مالیات بر سود اضافی و اجاره (گاهی هم مالیات‌های مبتنی بر سود و مالیات بر سود نقل و انتقالات سهام، می‌تواند مالیات بردرآمد و مالیات بر سود اضافی را هم جذب کند).	پاداش عقد قرارداد و مالیات از درآمد، مربوط به حق الزحمه
منطقه و حوزه قرارداد	منطقه مورد توافق در قرارداد اولیه تا زمان انصراف	منطقه مورد توافق در قرارداد اولیه تا زمان انصراف	منطقه مورد توافق در قرارداد اولیه تا زمان انصراف
انصراف	درصدی از حوزه معین شده در قرارداد اولیه در پایان هر مرحله از اکتشاف و معمولاً به طور تمام و کمال، بجز مناطق بهره‌بردار شده در پایان هر مرحله از اکتشاف	درصدی از حوزه معین شده در قرارداد اولیه در پایان هر مرحله از اکتشاف و معمولاً به طور تمام و کمال، بجز مناطق بهره‌بردار شده در پایان هر مرحله از اکتشاف	درصدی از حوزه معین شده در قرارداد اولیه در پایان هر مرحله از اکتشاف و معمولاً به طور تمام و کمال، بجز مناطق بهره‌بردار شده در پایان هر مرحله از اکتشاف

جدول ۲: تقسیم‌بندی HGC به لحاظ ریسک اکتشاف و تولید، همچنین پاداش و دریافتی‌ها

نوع قرارداد	پیمانکار	دولت میزبان
حق الانتفاع	تمام ریسک / تمام تولیدات	دریافتی از پیمانکار که تابعی از تولیدات و قیمت است.
مشارکت در تولید	ریسک اکتشاف و تولید / سهمی از تولیدات	سهمی از تولیدات
سرمایه‌گذاری مشترک	به طور توأم، سهم در ریسک‌ها و تولیدات	به طور توأم، سهم در ریسک‌ها
خرید خدمات مشارکت در ریسک‌ها	ریسک اکتشاف و تولید / حق‌الزحمه، متناسب با میزان تولید یا اخذ وجه	تمام تولیدات
خرید خدمات صرف	بدون ریسک اکتشاف و تولید / دریافت حق‌الزحمه از محل تولیدات یا اخذ وجه	کل ریسک / تمام تولیدات

3. Bidemann, Kirsten: "PSC: An Economic Analysis", Oxford Institute for Energy Studies, Oct. 1999.

4. BP Amoco Statistical Review of World Energy, 1999.

5. Johnston D., "International Petroleum Fiscal Systems and Production Sharing Contracts", Penwell Books, 1997.

6. Kinney B.: "Iran Buybacks", PSC Roundtable, Malaysia, Jan. 2000.

۷. پورسینا-پهروز و اصلانی-ارسلان، "بررسی قراردادهای مشارکتی با تأکید بر نفت و گاز"، گزارش تحقیقی، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۷۹.

1- Iran-Libya Sanctions Act

2- Host Government Contracts

3- Production Sharing Contracts or Production Sharing Agreements

4- Royalty and Tax Contracts

5- Concessionary Agreements

6- Service Agreements of Service Contracts

7- Foreign Investor International Oil Company; IOC

8- Association of International Petroleum Negotiators

9- Joint Operating Agreement

10- Risky Services

11- Pure Services

12- Refinance

13- Profit Oil Shared

14- Gross Production Shared

15- Hybrids

16- Rate of Return Systems

17- Internal Rate of Return

18- Kirsten Bindeman

19- Dr. Frank Alexander

20- daniel Johnston

شرکت‌های بزرگ بین‌المللی، لازم است تا نسبت به به‌کارگیری سایر روش‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز مطالعه و تأمل دوباره کرد و یا حتی همانند کنویت (در معرفی OSA)، شیوه نوینی را طراحی نمود. در این راستا و در نگاهی ابتدایی، قراردادهای خرید خدمات مشارکت در ریسک و قراردادهای مشارکت در تولید یا PSC، قراردادهای آماده‌تری به نظر می‌رسند و تأکید می‌شود که بر طبق ادبیات موجود در HGC، شرط ضمنی مالکیت بخشی از ذخایر مناطق مورد بهره‌برداری توسط شرکت‌های بین‌المللی کاملاً بی‌معنی و منتفی است. شاید آنچه که در این باب موجب اشتباه در کشورمان شده است، به دلیل شیوه HGC در آمریکا باشد که این حق برای IOC وجود دارد که بتواند در مناطق مورد بهره‌برداری، متناسب با سهم خود از تولیدات، مالکیت ذخایر نفت و گاز آن را هم به دست آورد. اما قانون نفتی آمریکا یک استثناست و در اکثر کشورهای جهان، قوانین موضوعه، همانند کشورمان، در تمامی مراحل اجرای HGC، هرگونه مالکیت IOC را نسبت به ذخایر تحت‌الارضی نفت و گاز مردود می‌داند. برای مثال، می‌توان به الگوی HGC در نپال در سال ۱۹۹۴ و الگوی HGC آلمانی در سال ۱۹۹۸ رجوع کرد که در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز این کشورها به روش PSC تصریح شده است که پیمانکار حق هیچگونه مالکیتی را نسبت به ذخایر هیدروکربوری منطقه مورد بهره‌برداری ندارد. ■

فهرست منابع

1. AIPN: "Host Government Contract", Handbook Barrows Company, New York, 1999.
2. Alexander, Frank: "Host Government Contracts", Langkawi Island, 18-19 Jan. 2000.

زمان تحریم ILSA با پیمانکاران بین‌المللی منعقد شده است، به دلیل ماهیت و ساختار فعلی این نوع قرارداد، پیمانکار ترغیب به افزایش برآورد هزینه‌ها می‌شود و در عین حال، ساروکاری برای بهره‌برداری بهینه از منابع نفت و گاز توسط طرف خارجی وجود ندارد و یا حداقل می‌توان تصریح کرد که این سازوکار کاملاً ضعیف است. همچنین شرایط جاری در این گونه قراردادهای گونه‌ای است که شرکت‌ها کمتر حاضر به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های جدید برای اکتشاف و تولید نفت می‌شوند و بیشتر، در مناطقی سرمایه‌گذاری می‌کنند که یا هدف از سرمایه‌گذاری، توسعه بهره‌برداری باشد و یا هیچ‌گونه تردیدی در فرآیند تولید وجود نداشته باشد. به طور مثال در پروژه پارس جنوبی، برای تمامی کارشناسان تردیدی وجود ندارد که اجرای طرح تولید گاز در بزرگترین حوزه گازی جهان به ثمر خواهد نشست.

در قرارداد حوزه پارس جنوبی در فازهای ۲ و ۳، همان‌طور که پیش از این اعلام شده است، حتی این امتیاز برای پیمانکار در نظر گرفته شده است که امکان جبران هزینه‌ها و حق‌الزحمه پیمانکار، به غیر از برداشت از گاز این حوزه، از ناحیه تولیدات نفت منطقه "سیری" نیز وجود دارد. کوتاه سخن اینکه، استفاده از روش تأمین مالی به جای سرمایه‌گذاری خارجی، علی‌رغم نکات مثبت برشمرده شده، متضمن نقاط ضعفی از قبیل موارد مذکور می‌باشد.

نلام آخر

اگر شرایط خاص سال‌های آخر قرن بیستم، به خصوص تحریم ILSA ضرورت به‌کارگیری قراردادهایی از نوع بای‌بک را در توسعه بخش نفت و گاز ایجاد می‌کرده است، در شرایط نوین با تضعیف جدی تحریم ILSA علیه ایران، به دلیل احتمال لغو کامل آن در ماه اوت سال ۲۰۰۱، یعنی پایان دوره تحریم و نقض عملی آن توسط